

فلسفه دین، دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷

صفحات ۷۸۱-۷۹۴

روش‌شناسی تبیین ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه

سید علی موسوی*

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۸)

چکیده

ارزش معرفتی همان مطابقت با واقع است. در بحث ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، آموزه‌های دینی معیار ثبوتی در تبیین صحت و سقم معرفت و مطابقت با واقع هستند در این روش آموزه‌های دینی از طرف خداوند متعال است و خدا هر آنچه می‌گوید واقعیاتی هستند که در جهان جریان دارد و کلمات او مطابق با واقعند. بنابراین ارزش معرفتی این نوع آموزه‌ها بیانگر اثبات صدور آن از سوی خداست. بحث ارزش معرفتی آموزه‌های دینی در این روش از دو منظر بررسی شده است: در منظر اول چگونگی مطابقت این قضایا با واقع بودن این آموزه‌ها بر مردم است که مباحث عقل، تنصیص و معرفی پیامبران سابق و معجزه را شامل می‌شود و در منظر دوم چگونگی احراز مطابق با واقع بودن آموزه‌های دینی برای پیامبر است که عناوینی نظیر نقش عصمت در تلقی و ابلاغ آموزه‌های دینی، نقش روح القدس در ارزش معرفتی آموزه‌های دینی و چگونگی تأیید پیامبران در شناخت آموزه‌های دینی را دربر می‌گیرد. در معرفت‌شناسی دینی، شناخت از طریق الهام و وحی به دست می‌آید و وحی و الهام در عالی‌ترین درجه اعتبار قرار دارد و عقل و نقل، بعد از وحی و در پرتو آن، منبع معرفت‌شناسی دین را تأمین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی

آموزه‌های دینی، ارزش معرفتی، روح القدس، عصمت، معجزه.

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* نویسنده مسئول، رایانامه: s.alimosavi53@yahoo.com

مقدمه

مهم‌ترین سؤالی که در ارزش معرفتی آموزه‌های دینی مطرح می‌شود این است که بدانیم به چه دلیل آموزه‌های دینی حق هستند. به عبارت دیگر به چه دلیل آموزه‌های دینی مطابق با واقعند؟ پاسخ به این سؤال، ارزش معرفتی آموزه‌های دینی را مشخص می‌کند. در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، خداوند خالق هستی بوده و هر آنچه او بیان کند واقعیاتی است که در عالم جریان دارد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۶۵ - ۷۰). بنابراین کلمات الهی همه مطابقت با واقع دارند و بحث عمده بخش حاضر این است که ثابت شود هر آنچه به نام آموزه‌های دینی عرضه می‌شود، از طرف خداست؛ لذا ارزش معرفتی آموزه‌های دینی اثبات صدور آن از سوی خدا خواهد بود.

نکته دیگری که در این رابطه اهمیت دارد، این است که ارزش معرفتی آموزه‌های دینی را از دو منظر می‌توان بررسی کرد. نگاه اول این است که این مطابقت با واقعیت برای مردم چگونه حاصل می‌شود؟ و در منظر دوم این سؤال مطرح می‌شود که موضوع «ارزش معرفتی آموزه‌های دینی همان مطابقت با واقع بودن آموزه‌های دینی است» برای پیامبر چگونه احراز می‌شود؟ به نظر می‌رسد معجزه می‌تواند ارزش معرفتی آموزه‌های دینی را در نگاه مردم ایجاد کند؛ همچنین ارزش معرفتی آموزه‌های دینی برای پیامبر باید در دو مقام بررسی شود. اول مقام تلقی آموزه‌های دینی از سوی پیامبر و دوم در مقام ابلاغ آموزه‌های دینی که در هر دو مقام باید دید چگونه مطابقت با واقع برای پیامبر احراز می‌شود. به نظر می‌رسد روح‌القدس و تأیید الهی پاسخگوی این دو مقام خواهد بود.

عقل

وقتی نبی و رسول مدعی ارتباط خاصی از نوع دریافت آموزه‌های دینی با خداوند است، این ادعا امری نیست که بتوان آن را با حواس درک کرد و نیز از امور وجدانی همگانی نیست که همه به آن علم حضوری داشته باشند. روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه در این مورد راه عقل را مطرح می‌کند که تا انسان نور عقل نداشته باشد، نمی‌تواند

حجت راستین را از دروغین تشخیص دهد و تنها با دلالت و راهنمایی عقل خویش، بعد از آنکه خداوند خود را به او شناساند، خواهد دانست که چه کسانی در ادعای خویشی راستگو و چه کسانی دروغ‌پردازند.

در این رابطه حدیثی است که در آن ابن‌سکیت می‌گوید به ابوالحسن (ع) عرض کردم امروز حجت خداوند بر خلق چیست؟ فرمود:

«العقل يُعْرِفُ به الصادق علی الله فَيُصَدِّقُه و الكاذب علی الله فيكذِّبه؛ عقل که به واسطه آن راستگو بر خدا شناخته می‌شود و مورد تصدیق قرار می‌گیرد و دروغگو بر خدا هم شناخته می‌شود و مورد تکذیب قرار می‌گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۲۴:۷۵؛ کلینی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۴).
پس عقل انسان در تشخیص پیامبران از دروغ‌پردازان، مفید و کارساز است و در شناخت پیامبران الهی با توجه به معرفت فطری، مؤثر واقع می‌شود.

تنصیص و معرفی پیامبران سابق

در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، یکی دیگر از راه‌های شناخت مردم معرفتی پیامبران پیش از پیامبران بعدی است. در این مورد حدیثی از امام علی (ع) چنین می‌گوید:

«مِنْ سَابِقِ سُمِّيَ لَهُ مَنْ بَعْدَهُ أَوْ غَابِرِ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۴)؛ پیامبری پیشین که برای او پیامبر پسین نامیده شده و پیامبر پسین که توسط پیشین شناسانده شده است.»
این معرفتی گاهی به حدی می‌رسیده است که امت‌ها پیامبر آینده را همچون فرزندان خویش می‌شناختند. قرآن کریم درباره پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ لَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۴۶)؛ آنان که کتاب برایشان دادیم، او را می‌شناسند؛ همان‌طور که پسران خود را می‌شناسند و همانا گروهی از آنها با وجود اطلاع از حق، آن را کتمان می‌کنند.»

بنابراین کسانی که با پیامبران الهی در ارتباط بودند، مشکلی در شناخت پیامبر آینده و آموزه‌های او نداشتند.

در بحث ارزش معرفتی دین، معیار ثبوتی در تبیین صحت و سقم معرفت، مطابقت با واقع بوده و عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا عقل به‌عنوان مصباح و چراغ گنجینه معارف دینی شناخته شده است. اما عقل به‌تنهایی در همه مسائل دینی راهگشا نیست، بلکه باید با نقل همراه شود. عقل و نقل با هدایت وحی و الهام الهی، بهترین راه برای کسب معرفت دینی هستند. در معرفت‌شناسی دینی، شناخت از طریق الهام و وحی به‌دست می‌آید و وحی و الهام در عالی‌ترین درجه اعتبار قرار دارد و عقل و نقل بعد از وحی و در پرتو آن منبع معرفت‌شناسی دین را تأمین می‌کنند.

نقش معجزه در ارزش معرفتی آموزه‌های دینی

در متون دینی آمده است که از طریق معجزه، انسان‌ها می‌توانند پیامبری یک پیامبر را تصدیق کنند و در نتیجه گفتار او را (که مدعی می‌شود از طرف خداست) بپذیرند. در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه دلیل این امر را در این نکته می‌دانند که پیامبر نماینده خداست و هر نماینده‌ای باید نشانه‌ای در خور منوب^۱ عنه (ناپسندیده از جانب او) داشته باشد تا مردم نمایندگی او را تصدیق بکنند. معجزه آیه و نشانه‌ای است که خدا به پیامبران عطا می‌کند که با توجه به ویژگی‌های خاص آن، یعنی برخلاف مجرای طبیعی صادر شدن عجز بشر از اتیان به آن و مقارن بودن با دعوی نبوت، می‌تواند مردم را به این یقین برساند که آن شخص از طرف خداست و کلمات او حکمات خدا هستند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۹ - ۲۰).

در کتاب‌های کلامی حدیثی علت معجزه را از قول امام صادق (ع) چنین آورده‌اند: ابوبصیر در حدیثی از امام صادق (ع) درباره علت معجزه که خداوند متعال به پیامبران عطا فرموده است، سؤال می‌کند:

«لایّ علیّ اعطی الله عزّ وجلّ انبیاءه و رسله و اعطاکم المعجزه؟ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۲)؛ دلیل اعطای معجزه از سوی خداوند متعال به شما و پیامبران و رسولان چیست؟ حضرت در جواب با اینکه واژه "معجزه" را به‌کار می‌برد، ولی تأکید می‌کند که آن "علامت" است.

«لیکون دلیلاً علی صدق من آتی به والمعجزه علامه لله لا يعطيها الا انبياءه و رسله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۲)؛ تا اینکه دلیل بر صدق آورنده آن باشد. معجزه علامتی برای خداست که عطا نمی‌کند آن را مگر به پیامبران و رسولان و حجت‌هایش تا به واسطه آن راستی راستگو از دروغ دروغگو شناخته شود (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۲).

پس دلالت معجزه به صدق ادعای نبوت همچون آیات تکوینی بر وجود خداوند متعال و معرفت اوست و همان‌طور که آنها در معرفت خدا فقط جنبه تذکار و یادآوری دارند؛ در مورد آیات پیامبران هم امر از این قرار است. زیرا روشنخواهد بود که معرفت پیامبران الهی بدون معرفت خداوند سبحان معنا و مفهومی ندارد. پس وقتی فردی مدعی نبوت و رسالت از سوی خداوند متعال بود؛ وظیفه اصلی او توجه دادن به خداوند متعال و یادآوری معرفت اوست.

با این بیان می‌توان این‌گونه برداشت کرد که معجزه که دلیل صدق انبیا در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه است، ارزش معرفتی آموزه‌های دینی را نیز برای مردم محرز می‌کند. زیرا از این طریق مردم پی می‌برند که سخنان پیامبر کلام خداست و کلام خدا، حق و مطابق با واقع است.

در ارتباط با ارزش معرفتی آموزه‌های دینی برای پیامبر و اینکه چگونه پیامبر پی می‌برد که سخنانی که به او رسیده، وحی و از جانب خداست؛ بنابراین مطابقت با واقع برای او احراز می‌شود. نقش روح القدس (به‌عنوان روح پنجمی که با انبیا همراه است) که با توجه به روایات برای انبیا مطرح می‌شود، تضمین‌کننده ارزش معرفتی آموزه‌های دینی برای خود پیامبر چه در مقام تلقی آموزه‌های دینی و چه در مقام ابلاغ آموزه‌های دینی است.

نقش عصمت در تلقی و ابلاغ آموزه‌های دینی

در کتاب‌های کلامی حدیثی آمده است: پیامبران الهی حجت‌های مطلق خداوند سبحان بر آفریدگان او هستند و کسی که معصوم نبوده و از خطا و عصیان در امان نباشد چگونه می‌تواند حجت مطلق الهی بر خلق باشد (کلینی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۱۲۷).

عصمت در دریافت آموزه‌های دینی

در حدیثی امام رضا (ع) معصوم و مصون بودن پیامبران و مؤید بودن آنها در اخذ آموزه‌های دینی متذکر می‌شوند:

«ان العبد اذا اختاره الله عز وجل الامور عباده شرح صدره لذلك و اودع قلبه ینابيع الحکمه والهمه العلم الهاماً فلم یعی بعده بجواب و لایحیر فیہ عن الصواب و هو معصوم مؤید موفق مسدد قد أمن الخطایا والزلزل والعتار یخصه الله عزوجل بذلک لیکون حجته علی عباده و شاهده علی خلقه» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۱)؛ همانا بنده آنگاه که خدا او را برای امور بندگانش برمی‌گزیند، سینه او را برای این امر فراخ می‌کند و در قلب او چشمه‌های حکمت را به ودیعه می‌گذارد و علم را به او الهام می‌کند. پس بعد از آن در هیچ جوابی فرو نمی‌ماند و از حق در تحیر نمی‌شود و او معصوم و مؤید و موفق و مورد تسدید الهی است، از خطاها و لغزش‌ها و لیز خوردن‌ها در امان است. خداوند او را به این امور اختصاص داده است تا حجت او بر بندگانش و گواه او بر خلقش باشد. بر طبق آنچه در این حدیث صحیح تصریح می‌شود؛ رسول خدا و ائمه هدی از ابتدای عمر تا آخر عمر به روح القدس مؤیدند، روح القدس آنان را تعلیم و تسدید کرده و از سهو و خطا و نسیان در امان نگه می‌دارد.

عصمت در ابلاغ آموزه‌های دینی

در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، معصوم از زبان شرع و ائمه اطهار (ع) معنا می‌شود که به لطف خداوند سبحان از هرگونه آلودگی به گناه و زشتی و پلیدی امتناع

کند «وَمَنْ يَعْصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران: ۱۰۱) و کسی که به خدا دست آویزد، قطعاً به راه راست هدایت یافته است.

در حالی که توان آنها را داشته باشد و نیز سهو و نیرسان خطا در او راه نیابد و از اغوای شیطان به دور باشد. امام صادق (ع) معصوم را کسی می‌داند که به لطف خداوند سبحان از همه محارم الهی امتناع کند:

«الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُتَمَتِّعُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۰۱)؛ معصوم کسی است که به واسطه خدا از همه حرام‌های خدا امتناع کند.

در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، خدای سبحان از آغاز عنایت خاصی به فرستندگان خویش دارد و این توجه در خلقت آنها لحاظ شده و آنان را از طیبی ویژه آفریده و در صلب‌ها و رحم‌های پاکیزه قرار داده است. امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ النَّبِيِّينَ مِنْ طِينِهِ عَلِيِّينَ قُلُوبَهُمْ وَأَبْدَانَهُمْ وَخَلَقَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ تِلْكَ الطِّينَةِ وَجَعَلَ خَلْقَ أَبْدَانِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ دُونَ ذَلِكَ (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵)؛ همانا خداوند متعال روح و بدن‌های پیامبران را از طینت علیین آفرید و روح‌های مؤمنین را هم از طینت آفریده و خلق بدن‌های مؤمنین را از قسمت پایین آن قرار داد.»

در ادامه بحث عصمت انبیا و در امان بودن دامن آنها از آلودگی‌های جاهلیت، از زبان امام صادق (ع) تصریح می‌شود که خداوند متعال همه پیامبران را در اصلاّب و ارحام پاکیزه جای داد و هیچ‌گاه کارهای ناشایست جاهلیت، دامن آنان را آلوده نکرد.

«مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ مِنْ غَيْرِ نَسْلِ الْأَنْبِيَاءِ ... طَهَّرُوا فِي الْأَصْلَابِ وَحَفِظُوا فِي الْأَرْحَامِ لَمْ يُصِيبْهُمْ سِفَاحُ الْجَاهِلِيَّةِ وَ لَا شَابَ أَنْسَابَهُمْ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۳۶)؛ خداوند هیچ پیامبری را از نسل غیر پیامبران مبعوث نکرد ... پیامبران در اصلاّب پاک بودند و در رحم‌ها محافظت شدند و بی‌عفتی زمان جاهلیت به آنان نرسیده و نسب آنها در هم نیامیخت.»

در این حدیث بر تأثیر پاکیزگی و خلوص طینت و آب و گل انسان و پالودگی او در اصلاّب و ارحام در دوری او از گناهان و زشتی‌ها تأکید می‌شود و دلیل این امر در ادامه همین روایت روشن شده و فرمایش حضرت امام صادق (ع) چنین است:

«اخْتَارَ مَنْ وُلِدِ آدَمَ أَنْسَاءً طَهَّرَ مِيْلَادَهُمْ وَ طَيَّبَ أَبْدَانَهُمْ وَ حَفِظَهُمْ فِي اصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ أَخْرَجَ مِنْهُمُ الْانْبِيَاءَ وَ الرُّسُلَ فَهُمْ أَزْلَى فِرْعَ اءِ اءِمْ . فَعَلَّ ذَلِكْ لِاَلِاْمْرِ اسْتِحْقَاقُهُ مِنْ اَللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ عَلِمَ اَللّهُ مِنْهُمْ حِينَ ذَرَأَهُمْ أَنَّهُمْ يُطِيعُوْنَهُ وَ يَعْبُدُوْنَهُ وَ لَا يَشْرِكُوْنَ بِهِ شَيْئاً فَهَوْلَاءُ بِالطَّاعَةِ نَالُوا مِنْ اَللّهِ الْكِرَامَةَ وَ الْمَنْزِلَةَ الرَّفِيعَةَ عِنْدَهُ (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۴۰)؛ خداوند از فرزندان آدم انسان‌هایی را برگزید و ولادت آنها را پاک کرد و بدن‌هایشان را پاکیزه گرداند و آنان را در صلب‌های مردان و رحم‌های زنان محافظت کرد و از آنها پیامبران و رسولان را بیرون آورد، پس آنها پاکیزه‌ترین شاخه‌های آدم هستند. این کارها را نه به خاطر استحقاقشان از خدای متعال برایشان انجام داد، ولی خدا آنگاه که آنان را آفرید اطلاع داشت که اطاعتشان خواهند کرد و عبادتش خواهند نمود و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد؛ پس آنان به اطاعت از خدا، به این کرامت و مقام والا نزد خدا رسیدند».

بنابراین در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، پیامبران پیش از آنکه به دنیا بیایند، مورد توجه حضرت حق بودند و خدای متعال چون آنان از سایر بندگان در اطاعت او مقدم بودند؛ مقام نبوت و رسالت را فقط به آنان عطا فرموده و همواره آنان را در همه حالات مورد توجه و محافظت و حمایت خویش قرار داده است.

از این‌رو گیرنده آموزه‌های دینی که نبی است، به جهت عصمتی که دارد در تلقی و ابلاغ وحی کاملاً از خطا مصون است و هیچ خطا و نسیانی در این رابطه به وی دست نمی‌دهد. در بحث ارزش معرفتی آموزه‌های دینی در روایاتی که نقل شد، عصمت نبی تضمین‌کننده ارزش معرفتی آموزه‌های دینی بوده و آنچه را که او به مردم می‌رساند، مردم می‌توانند به‌عنوان آموزه‌های الهی تلقی و صد درصد به آن اعتماد کنند.

نقش روح القدس در ارزش معرفتی آموزه‌های دینی

در ارتباط با روح القدس احادیثی هست که گویای این واقعیتند که نبی پنج روح دارد، روح الحیات، روح القوه، روح الشهوت، روح الایمان، و روح القدس که به‌واسطه روح القدس است که می‌تواند حمل نبوت کند و از ویژگی‌های روح القدس این است که نمی‌خوابد و

غافل نمی‌شود و همچنین به خودپسندی مبتلا نخواهد شد؛ در حالی که چهار روح دیگر این موارد بر آنها عارض می‌شود و به روح القدس است که پیامبر آنچه را در زمین و آسمان و تحت عرش است، می‌بیند (کلینی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۷۲).

با توجه به این حدیث مشخص می‌شود که نبی به واسطه روح القدس از طرفی به همه عوالم احاطه پیدا می‌کند و از سوی دیگر تمام نقص‌های معرفتی ارواح دیگر را ندارد و به این ترتیب پیامبر از حالاتی که موجب بروز برخی خطاهای معرفتی شود، در امان است.

به عبارت دیگر روح القدسی که به همراه انبیاست، مانع از سهو و نسیان در دریافت آموزه‌های دینی و ابلاغ آموزه‌های دینی می‌شود؛ زیرا روح القدس آن احاطه علمی و معرفتی که به پیامبر می‌دهد، پیامبر کاملاً کلام خدا را به درستی می‌شناسد و بعد از دریافت آن به درستی آن را به مردم ابلاغ می‌کند. این تأیید الهی نسبت به پیامبران در برخی احادیث به این صورت بیان شده است که خداوند هنگامی که بنده‌ای را رسول خود می‌گیرد، به او سنگینی و وقاری نازل می‌کند که اثر آن به این گونه است که آنچه از جانب خداوند بر او می‌رسد، از نظر وضوح و یقین به اینکه از طرف خداوند است همانند چیزهایی است که با چشم ظاهر می‌بیند و به آنها یقین دارد (کلینی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۲۷۲).

در واقع حس دیگری در پیامبر به واسطه این سنگینی و وقاری که از سوی خدا به او القا می‌شود، در او فعال خواهد شد که می‌توان آن را نوعی حس شناخت کلام خدا نامید و لذا با توجه به معرفتی که در رابطه با کلام خدا پیدا می‌کند، نمی‌تواند هر چیزی و از جمله القائات شیطانی را با کلام خدا تمیز ندهد. در تأیید چنین برداشتی می‌توان به حدیثی اشاره کرد که از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که در این حدیث حضرت می‌فرماید: شناخت پیامبر اکرم (ص) به جبرئیل از سوی خداست، به واسطه توفیق الهی صورت می‌گیرد و در تبیین این حدیث آمده که خداوند پیامبر را موفق می‌کند به اینکه به علم ضروری بداند کسی که در برابر او قرار دارد، جبرئیل است و شیطان نیست و این علم ضروری و توفیق الهی همان القای روح القدس است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۲۵۶ - ۲۵۷).

چگونگی تأیید پیامبران در شناخت آموزه‌های دینی

شناخت پیامبران صلوات الله علیهم به کلام خدا، وقتی تحقق پیدا می‌کند که آنان به خداوند متعال و فرشتگان الهی معرفت داشته باشند و بدانند آنچه به ایشان می‌رسد، از سوی خدای متعال است. همچنین باید هرگونه القایی را از شیطان به‌خوبی بشناسند. در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه، در این رابطه روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است بر این مبنا که خداوند متعال وقتی می‌خواهد کسی را به رسالت انتخاب کند؛ اول بر او سکینه و وقار نازل می‌کند تا به‌واسطه آن جبرئیل برایش روشن و عیان شود.

«ان الله اذا اتخذ عبداً رسولاً انزل علیه السکینه و الوقار فکان الذی یأتیه من قبل الله عزوجل مل الذی تیراه بعینه (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۱)؛ همانا خداوند وقتی بنده‌ای را رسول خویش قرار می‌دهد به او سکینه و وقار نازل می‌کند، پس آنچه از ناحیه خدا برایش می‌آید، برای او مثل امری می‌شود که به چشم خود آن را مشاهده می‌کند».

روایت دیگری از امام صادق(ع) مطرح شده است که هرگاه رسولی برای رسالت انتخاب می‌شود، پرده‌ها و حجاب‌ها از او برداشته می‌شوند:

«کشف عنها الغطاء» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۲۸)؛ از او پرده برداشته می‌شود».

دعایی در این رابطه چنین بیان می‌کند:

«و اسالک باسمک الذی کتبتہ علی قلب محمد (ص) فعرّف ما اوحيته الیه من وحیک (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۰: ۲۶۶)؛ و تو را به آن اسمت می‌خوانم که آن را بر قلب محمد (ص) نوشتی، پس شناخت آنچه را به او وحی کردی».

در ادامه بحث روش‌شناسی، حدیث دیگری را بازبینی می‌کنیم که در آن بیان شده است پیامبر(ص) به توفیق الهی جبرئیل را تشخیص می‌داد:

«ما علم رسول الله (ص) انّ جبرئیل (ع) من قبل الله عزوجلّ الاّ بالتّوفیق (صدوق، ۱۳۸۲:

۲۴۲ و (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۰۳)؛ رسول خدا (ص) از طرف خدا بودن جبرئیل را به

توفیق می‌شناخت».

با توجه به حدیث دیگری که ارائه شده است، جنبه دیگری از معرفت پیامبر نسبت به کلام خدا توضیح داده می‌شود که پیامبر صدای فرشته را می‌شنود و خود او را نمی‌بیند؛ از کجا تشخیص می‌دهد که این کلام خداست؟ در این حدیث از امام صادق (ع) سؤال شد و حضرت در جواب می‌فرماید: «خود خداوند به او بیان می‌کند که آنچه به او می‌رسد، حق است.»

«بینه الله حتی يعلم انّ ذلك حق (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶: ۷۵)؛ خداوند به او روشن می‌کرد تا بداند که آن حق است.»

در این روش در روایت دیگر پاسخ این سؤال این‌گونه بیان می‌شود:

«یوفق لذلك حتی يعرفه (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶: ۷۵)؛ او را بر آن موفق می‌کرد تا بشناسد.»

از مجموع این روایات روشن می‌شود کسانی که می‌گویند پیامبر (ص) در آغاز نبوت دچار شک و تردید شد و جبرئیل را شناخت و خوف و ترس بر او عارض شد و جریان را با حضرت خدیجه علیهاالسلام در میان گذاشت و او نزد پسرعموی خویش ورقه بن نوفل رفت و از او در این زمینه سؤال کرد و ورقه او را به نبوت پیامبر مژده داد؛ سخنانی بی‌پایه و یاهو است.

چگونه می‌شود پیامبر اسلام جبرئیل را تشخیص ندهد و در وجود او تردید کند، در صورتی که امیر مؤمنان (ع)، حضرتش را این‌گونه معرفی می‌کند که مدتی از سال را در کوه حرا مجاور می‌شد، تنها من او را می‌دیدم و کسی دیگر او را نمی‌دید. من در او روحی را مشاهده و بوی خوش نبوت را احساس می‌کردم. در آغاز نبوت ناله شیطان را به گوش خود شنیدم و از حضرتش در این زمینه سؤال کردم و ایشان فرمودند: این ناله شیطان بود که از پرستش خویش ناامید شده است. در روایت عین تعبیر حضرت علی (ع) چنین آمده است:

«اری نور الوحی و الرّساله و اشمّ ریح النّبوه و لقد سمعت رنّه الشیطان حین نزل الوحی علیه (ص) فقلت یا رسول الله ما هذه الرّنه؟ فقال: هذا الشیطان قد ایس من عبادته (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۴۷۵)؛ نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام

می‌کردم و به تحقیق ناله شیطان را به هنگام نزول وحی بر پیامبر (ص) شنیدم و عرض کردم ای رسول خدا این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از عبادتش ناامید شده است.»

در حدیثی از قول امام هادی (ع) نیز ترس و هراس پیامبر (ص) در آغاز رسالت از تکذیب قریش دانسته شده است. امام دهم (ع) می‌فرماید:

«و کان من اول امره ... ابغض الاشياء اليه الشيطان و افعال المجانين و اقوالهم فاراد الله عزّ و جلّ ان يشرح صدره و يشجع قلبه فانطق الله الجبال و الصّخور و المدر و كلما وصل الى شيء منها ناداه السلام عليك يا محمد السّلام عليك يا وليّ الله السّلام عليك يا رسول الله (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۴۷۵)؛ و از ابتدای امر ... مبعوض‌ترین چیزها نزد او شیطان و کردار و گفتار دیوانگان بود. پس خدای عزوجل خواست که سینه‌اش را گشاده گرداند و قلبش را محکم سازد، پس کوه‌ها و صخره‌ها و سنگ‌ریزه‌ها و همه چیز را با او همسخن گردانید؛ به گونه‌ای که از کنار چیزی نمی‌گذشت، جز اینکه به خاطر نبوتش او را سلام می‌کرد.»

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی ارزش معرفتی آموزه‌های دینی، در روش‌شناسی ارزش معرفتی مدعیات دینی شیعه همان مطابقت با واقع است. این مطابقت با واقع برای پیامبر چگونه احراز و برای مردم چگونه حاصل می‌شود. در بحث مردم مباحثی تحت عنوان راه‌های شناخت پیامبران توسط عقل، تنصیص و معرفی پیامبران سابق و معجزه بازگوکننده این نکته خواهد بود که شخص مدعی، پیامبر بوده و سخنان او از سوی خدا و مطابق با واقع است. این مطابقت با واقع که برای پیامبر احراز می‌شود، او را متوجه این نکته می‌کند که آموزه‌ها الهی بوده، بنابراین کلام خدا و مطابق با واقع است. در این بحث عناوینی نظیر نقش عصمت در تلقی و ابلاغ آموزه‌های دینی، روح القدس و تأیید پیامبران مطرح می‌شود.

منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
 ۲. استامپ، النر و دیگران (۱۳۸۰). *جستارهایی در فلسفه دین*، ترجمه مرتضی فتحی‌زاده، قم: دانشگاه قم.
 ۳. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۶). *اصول کافی*، مترجم سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
 ۴. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *انتظار بشر از دین*، قم: اسراء.
 ۶. حرانی، ابو محمد حسن (۱۳۸۰). *تحف العقول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۷. شیخ طبرسی، احمد (۱۴۰۳ ق). *الاحتجاج*، قم: نشر مرتضی.
 ۸. صدوق، محمد (۱۳۸۲). *اعتقادات شیخ صدوق در مجموعه آثار شیخ صدوق*، قم: انتشارات مجلسی.
 ۹. _____ (۱۴۰۲). *خصال*، قم: جامعه مدرسین.
 ۱۰. _____ (۱۳۸۲). *التوحید*، قم: انتشارات مجلسی.
 ۱۱. _____ (۱۳۸۲). *علل الشرایع*، قم: انتشارات مجلسی.
 ۱۲. _____ (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین.
 ۱۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
 ۱۴. علی اکبریان، حسنعلی (۱۳۷۷). *درآمدی بر قلمرو دین*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). *تفسیر عیاشی*، قم: نشر چاپخانه علمیه.
 ۱۶. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۱). *تجربه دینی و گوهر دین*، قم: بوستان کتاب.

۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. _____ (۱۳۸۰). حق الیقین، اصفهان: انتشارات کانون پژوهش.
۱۹. _____ (۱۳۷۸). حیات القلوب، جلد ۱، تحقیق سید علی امامیان، قم: انتشارات

سرور.

